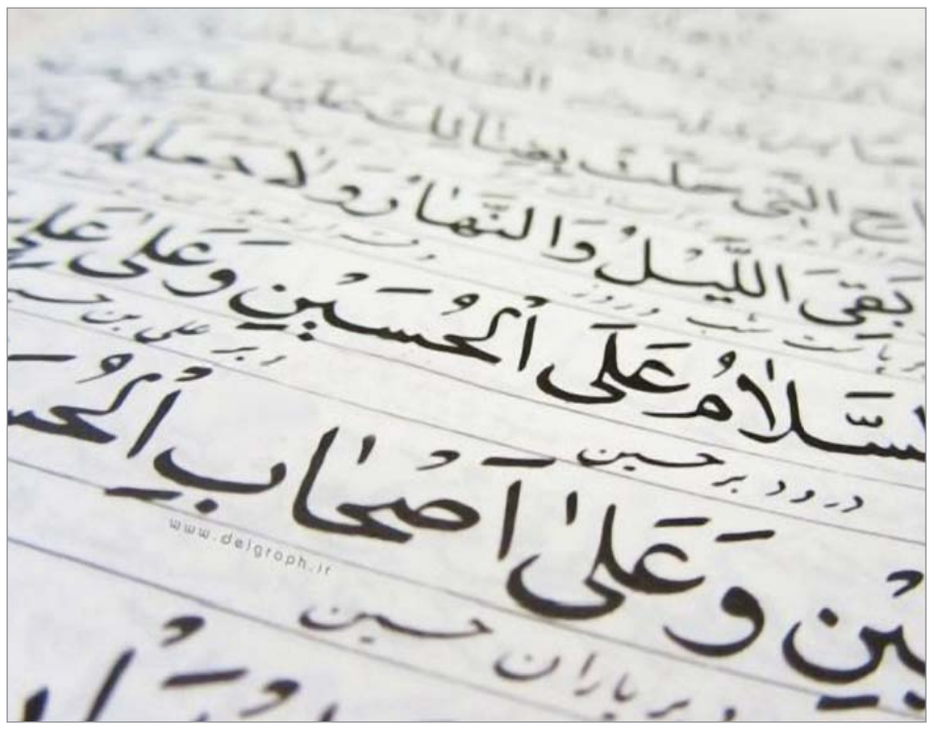

دستمایه‌های سخن

تحلیل محتوایی زیارت عاشورا

استاد جواد محدثی

زیارت عاشورا از معروف‌ترین، رایج‌ترین و حماسی‌ترین زیارت‌هایی است که از پیشوایان دینی نقل شده و در روز عاشورا و اوقات دیگر خوانده می‌شود و مداومت بر آن، آثار و برکات فراوانی دارد.

این زیارت‌نامه که از سوی امام محمدباقر علیه‌السلام به علقمه حضرمی آموخته شده است، به‌نوعی مرامنامه پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام و ادعانامه شیعه بر ضد ظلم و جنایاتی است که نسبت به دودمان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و به‌ویژه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در حادثه کربلا انجام شده است و تأکیدی است بر جایگاه والای اهل‌بیت علیهم‌السلام در منظومه فکری اعتقادی ما.

در این نوشته بنای تحقیق سندی نیست که دیگران در کتاب‌ها و مقالات متعدد، درباره اعتبار و اسناد آن بحث کرده‌اند.[1] هدف در این مقاله، تحلیل محتوایی و پیام‌های مطرح‌شده از زیارت عاشوراست.

گرچه شاخص اصلی این زیارت، تولی و تبری و اعلام موضع نسبت به حق و باطل و اظهار نصرت و سلام و درود بر کشته‌شدگان جبهه نور و ابراز لعن و نفرت و نفرین بر دست‌اندرکاران آن فاجعه بزرگ و مصیبت عظمی است؛ لیکن نکته‌ها و پیام‌ها و درس‌های دیگری هم دارد. مبلغان عزیز می‌توانند بر اساس پشتوانه علمی و اطلاع و مطالعات خویش به تبیین و تشریح مفاهیم زیارت عاشورا در مجالس حسینی بپردازند؛ البته این ۱۶ محور که در این مقاله ارائه شده است، می‌تواند به محورهای بیشتری هم افزوده گردد. سوژه‌هایی بیان شده تا سخنوران مراسم عاشورایی، بتوانند از آن‌ها الهام و الگو بگیرند. شیوه کار هم بر اساس مراجعه به منابع حدیثی، تاریخی، بلکه درنگ و تأمل بر روی خود زیارت‌نامه و فقرات آن است.

• مکتب و فرهنگ زیارت

نکات قابل بحث در این محور:

۱. مشروعیت زیارت، با استناد به روایات پیامبر و معصومین علیهم‌السلام و سیره قولی و عملی آن؛

۲. ثواب و پاداش‌های زیارت که در روایات آمده است؛

۳. سازندگی و جنبه‌های تربیتی زیارت و ابعاد الگودهی و الگوگیری؛

۴. شبهات وهابیت درباره زیارت و توسل و گرامی‌داشت یاد پیامبر و ائمه علیهم‌السلام و پاسخ به آنها؛

۵. نقش احیاگری نسبت به یاد بزرگان دین و شهدا در سایه زیارت قبور آنان؛

۶. زیارت از راه دور با خواندن زیارت‌نامه یا زیارت از نزدیک و سفرهای زیارتی.

امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ».[2]

«من زار قبر الحسین یوم عاشورا، کان کمن تشحّط بدمه بین یدیه».[3]

امام صادق علیه‌السلام (درباره زیارت از راه دور): «إِذا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشُّقَّةُ وَنَأَتْ بِهِ الدّارُ فَلْيَصْعَدْ أَعْلى مَنْزِلِهِ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَلْيَؤُمَّ بِالسَّلامِ إِلى قُبُورِنا، فَإِنَّ ذلِكَ يَصِلُ إِلَيْنا».[4]

• ۲. متون زیارتی و زیارت‌نامه‌های مأثور

زیارت‌نامه‌هایی که از معصومین علیهم‌السلام نقل شده و دارای سند است. اهمیت دارد و دقت در مضامین آنها آموزنده است. در این متون، هم معارف دینی مطرح است، هم سیمای اهل‌بیت علیهم‌السلام و فضایل و مناقب آنان، هم پیوند و فضائل و مناقب آنان، هم پیوند زائر با ایشان و هم ستایش از عملکرد و اوصاف خوب آن پیشوانان.

در این زمینه این محورها قابل بحث است:

۱. فرق زیارت مأثور و غیرمأثور؛

۲. ارزش محتوایی و استنادی زیارت مأثوره؛

۳. مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و ارزش زیارت‌نامه‌ها؛

۴. اهتمام ائمه علیهم‌السلام به تعلیم شیعه از راه زیارت‌نامه‌ها و آموزش این متون؛

۵. تلاش علمای شیعه در طول تاریخ برای ثبت و نقل و تدوین این روایات و زیارات؛

۶. ترجمه‌ها و شرح‌هایی که بر برخی زیارات نوشته شده است؛

۷. مستند بودن زیارت عاشورا (پاسخی به شبهه‌افکنی برخی مخالفان و اینکه زیارت عاشورا به‌نقل علقمه حضرمی از امام باقر علیه‌السلام است. در مفاتیح هم اشاره شده است، در کتاب‌ها و مقالاتی هم، بحث‌های علمی و پژوهشی دقیق درباره سند زیارت انجام گرفته است)؛

۸. آداب زیارت و حضور در حرم‌ها و زیارت از دور و نزدیک؛

۹. نقش تربیتی و فرهنگی مزارها و بقاع منصوب به اهل‌بیت علیهم‌السلام؛

ورود به بحث پیام‌های محتوایی زیارت عاشورا و بررسی فراز به فراز آن و تقسیم‌بندی محتوا در بخش‌های زیر:

• ۳. سلام‌ها و درودهای زیارت

بسیاری از زیارت‌نامه‌ها با السلام علیک شروع می‌شود.

سلام، نام خداست. مفهوم سلم و آشتی و خیرخواهی نسبت به طرف مقابل دارد. نشانه ادب در اولین برخورد است. نشانه همبستگی و تولی با کسی است که به زیارتش رفته‌ایم.

در چند سطر اول زیارت، سلام به امام حسین علیه‌السلام است. با این ویژگی‌ها: فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرزند امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرزند حضرت فاطمه علیهاالسلام

تأکید بر آباء و اجداد او و اشاره به شجره طیبه‌ای که آن حضرت وابسته به آن است، خنثی‌کننده تبلیغات سوء دشمن و یادآوری جایگاه او به‌عنوان یکی از اهل بیت علیهم‌السلام است.

سلام دادن به پیامبر و حضرت علی و حضرت زهرا علیهاالسلام و ... در زیارت‌های امامان بعدی هم، یادآور همین شجره طیبه است؛ حتی در زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام هم، بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام دیگر سلام می‌دهیم و آن بانو را از نسل آن پاکان می‌دانیم.

• ۴. مفهوم ثارالله

در فراز بعد، امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان ثارالله و فرزند ثارالله مطرح است و به‌عنوان «وترالموتور» از او یاد می‌شود.

مباحث قابل طرح:

– معنای ثارالله و خون خدا و فرق این خون، با خون سرخ در رگ‌ها، اشاره به مفهوم حق خون‌خواهی و اولیای دم و ... است؛

– هم امام حسین علیه‌السلام ثارالله است، هم پدرش امیرالمؤمنان علیه‌السلام؛

– مفهوم وترالموتور، مظلومی که خونش ریخته شده، خون به ناحق ریخته‌ای که تقاص نشده (موتور)، هم به‌معنای مظلوم است، هم خونی که به ناحق ریخته شده، هم خونی که انتقام آن گرفته نشده است)؛

– سلام بر یاران آن حضرت که فدای او شدند(تجلیل از شهدای دیگر)؛

– سلام و درود و پیوسته و لاینقطع (ما بقیت وبقی اللیل والنهار).

• ۵. عظمت حادثه کربلا

در فراز بعد (لقد عظمت الرزیّه...) از عظمت این فاجعه و مصیبت بزرگ یاد شده است. فاجعه‌ای بی‌نظیر. بازتاب این سوگ و رزیّه در آسمان‌ها و میان کرّوبیان. در این قسمت می‌توان با این محورها بحث کرد:

– ابعاد فاجعه کربلا و خشونت دشمن و مظلومیت اهل‌بیت علیهم‌السلام؛

– پرداختن به عمق این تراژدی و مظلومیت در کنار بعد حماسی و انقلابی آن؛

– زیر پا گذاشتن همه مقررات جنگی از سوی سپاه دشمن، جنایات جنگی سپاه یزید؛

– عبرت‌های عاشورا، چه شد که پنجاه سال پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین حادثه‌ای پیش آمد؟؛

– چرا حادثه عاشورا مصیبت است؛ آن هم عظیم‌ترین مصیبت؟؛

– در حادثه کربلا، غیر از قتل‌عام خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و آن شهادت‌ها، هتک اسلام و قرآن شد، اشاره به گوشه‌ای از زیارت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خطاب به جدّش امام حسین علیه‌السلام، ابعاد این فاجعه را نشان می‌دهد که ضربه به اسلام و دین بود، نه‌تنها کشتن فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و احیای خط جاهلیّت بود، کشتن تکبیر و تهلیل و نماز و قرآن بود:

«فَالْوَيْلُ لِلْعُصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَهَمْلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ... وفُقِد بفقدک التکبیر والتهلیلُ والتحریم والتحلیلُ والتنزیل والتاویلُ وظهر بعدک التغییر والتبدیلُ والالحاد والتعطیلُ والاهواء والاضالیلُ والفتن والاباطیل...»[5]

• ۶. لعن و تبرّی

از موضوعات محوری در زیارت عاشورا، سلام و لعن است. سلام بر امام و شهدا و لعن بر قاتلان و دشمنان دین سلام. لعن، نماد تولّی و تبری است که از فروع دین است. لعن افراد بد و کافر و ظالم در قرآن هم بارها آمده است. اظهار برائت، نشان‌دهنده موضوع برای یک مؤمن است. تا آخر زیارت عاشورا این لعن‌ها چندبار تکرار شده است؛ هم به‌عنوان کلی و هم با اسم بردن از بعضی‌ها تا صراحت بیشتری داشته باشد.

محورهای قابل بحث:

– اصل لعن و اظهار برائت، اصلی قرآنی و دینی و جایز است و شبهه مخالفان گواه بی‌اطلاعی آنان است؛

– سلام و لعن نوعی اعلام مواضع و نشان‌دهنده جهت‌گیری اجتماعی و سیاسی است؛ مثل مرگ بر آمریکا و اسرائیل؛

– پایه‌گذاران ظلم به اهل‌بیت علیهم‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله؛

– ریشه ظلم‌های بعدی از جمله عاشورا، در حوادث پیشین؛

– جریان‌شناسی باطل و ضدّ حق در طول تاریخ (امّة اسّست اساس الظّلم)؛

– جایگاه والای اهل‌بیت علیهم‌السلام در نظام اسلامی و توطئه کنار زدن آنان (دفعتکم عن مقامکم...).

• ۷. مباشران ظلم، یاوران، حامیان، راضیان

گاهی در ظلم و جنایتی که انجام می‌گیرد، کسانی به‌طور مستقیم دخالت دارند و عامل‌اند، گاهی هم کسانی سیاهی لشکرند، پشتیبان‌اند، تبلیغات چی‌اند، زمینه‌سازند، ابزار و امکانات فراهم می‌کنند، پول می‌دهند و حمایت زبانی می‌کنند، یا حداقل در دل به آن عمل جنایت‌کارانه راضی و خوشحال‌اند. همه اینها شریک جرم‌اند و مورد مؤاخذه و مستحقّ لعن و برائت. در زیارت عاشورا این بینش و بصیرت داده می‌شود که تنها صحنه‌گردانان و مباشران را نبینند؛ بلکه دست‌های پشت پرده و عوامل اصلی مخفی یا زمینه‌سازان حوادث را هم بشناسند.

محورهای قابل بحث در این فراز:

– همدستی عاملان قتل و زمینه‌سازان و حامیان (نگاه جریان‌شناسانه)؛

– دشمن‌شناسی و شناخت چهره‌های پنهان و پشت پرده؛

– نگاه واحد به مباشران توطئه و جنایت و عوامل پشت پرده و حامیان و ساکنان و راضیان؛

– تحلیل واژه‌های «الممهّدین لهم»، «اشیاع»، «اتباع» و «اولیاء» در این بخش و تعابیر «اسرجت والجمت وتنقبّت» در فراز بعدی، مشارکت آنان که حتی اسب و زین و لجام برای نیروهای عمرسعد و ابن‌زیاد فراهم کردند.

• ۸. سلم و حرب

مسلمان نمی‌تواند نسبت به جریان حق و باطل، بی‌تفاوت باشد. جهاد با دشمنان حق و مبارزه با باطل و همبستگی و نصرت حق و خط ائمه علیهم‌السلام و ولایت، یک تکلیف است و بی‌تفاوتی نوعی ترک تکلیف به‌شمار می‌رود. (سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم).

محورهای قابل بحث:

– به‌جای تعبیر مُسالم و مُحارب، کلمه سلم و حرب آمده، نشانه عمق این مواضع است و تأکید بیشتری را می‌رساند؛

– تکلیف‌مداری و موضع داشتن در برابر جریان حق و باطل و نفی بی‌طرفی؛

ادامه در صفحه بعد

کربلا، جامع‌ترین الگوی منتظران امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی محجوب‌زاده مُبلغ و مدرس حوزه علمیه/ **بخش اول**

مسأله «انتظار»، یکی از مهمترین اعتقادات سازنده و نقش‌آفرین در زندگی شیعیان است که تأثیر شگرفی در آمادگی و زمینه‌سازی و استقبال از ظهور دوازدهمین اختر تابان امامت و ولایت، حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دارد.

در گفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام با تعابیر شگفتی از انتظار یاده شده است؛ مانند بهترین عبادت، برترین عمل، همانند ارزش جهاد مجاهدان راه خدا در صف مقدم جبهه‌ها، همچون پیکار در رکاب رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی مشهور می‌فرماید: «أفضل العباده انتظار الفرج»؛[1] بهترین عبادت و بندگی خدا، انتظار گشایش امور به دست حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام است که: « من مات منتظرا لهذا الامر، کان کمن کان مع القائم فی فسطاطه؛ لا، بل کان بمنزله الضارب بین یدی رسول‌الله بالسیف»[2] کسی که در حال انتظار ظهور قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بمیرد، مانند کسی است که در محضر قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در خیمه (ستاد مرکزی ارتش) آن‌حضرت است؛ نه بلکه همانند کسی است که در رکاب رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با شمشیر با دشمن می‌جنگد.

این روایات نمونه‌هایی از ده‌ها و صدها روایت دیگر در این باره است که نشان از اهمیت و نتایج ارشمند این عمل عبادی دارد. بنابراین لازم است که مفهوم انتظار حقیقی و وظایف منتظران راستین به‌خوبی شناخته شود که در غیر این‌صورت ممکن است، به بیراهه برویم.

شناخت وظایف و مسئولیت‌ها و انجام آن، ما را به وجود عینی انتظار می‌رساند و انتظار ما را تکمیل خواهد کرد. بر همین اساس هنگامی که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پس از ظهور در مکه خطبه می‌خواند، در فرازی از خطبه‌اش چنین می‌فرماید: به شما امر می‌کنم که هیچ چیز را همتای خدا قرار ندهید و در اطاعت خدا و رسولش، مراقبت نمایید و زندگی و مرگتان بر اساس قرآن باشد؛[3] یعنی منتظر واقعی تنها در سایه چنین زیستی آن هم، تحت امر ولی‌خدا می‌تواند، به‌همراهی با کاروان ظهور امیدوار باشد.[4]

مقام معظم رهبری در این‌باره می‌فرماید:

انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ‌وقت نمی‌شود گفت که حالا سال‌ها یا مدت‌ها مانده است که این اتفاق بیفتد، هیچ‌وقت هم نمی‌شود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خُلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خُلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است.[5]

یکی از ویژگی‌های دین مبین اسلام در انجام وظایف مهم و گاه دشوار دینی، معرفی الگوهایی است که موفق به آن عمل شده‌اند. این شیوه زیبای تربیتی باعث می‌شود که انجام آن عمل و درک ابعاد آن، برای انسان‌ها راحت‌تر باشد؛ به‌عنوان مثال پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در قرآن به‌عنوان اسوه معرفی می‌شود[6] تا انسان بتواند، افق قابل دست‌یابی برای خودش را دریابد و در میانه راه دچار خستگی یا غرور نشود؛ یعنی با معرفی این الگو، قله و مقصد به انسان نشان داده شده و همچنین راه رسیدن به آن از طریق آشنایی با زندگی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هموار گشته است.

در زمینه انتظار و همراهی با قیام حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز باید گفت: برای دستیابی به این مهم، بزرگ‌ترین اتفاق تاریخ به کمک ما آمده است؛ به‌نوعی می‌توان عاشورا را مقدمه و آغاز راه ظهور دانست. پیوند ناگسستنی بین عاشورا و ظهور بر هیچ‌کس پوشیده نیست و حتی اشاراتی که امام حسین علیه‌السلام در کربلا به ظهور و منتقم خون‌های به‌ناحق‌ریخته در کربلا دارد،[7] مبیّن این مسأله است.

بنابراین یکی از وجوه قابل توجه، نقش الگویی کربلا برای منتظران در شناخت وظایف‌شان و نائل شدن به توفیق همراهی با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. در واقع کربلا حاوی ویژگی‌ها و الگوهای عملی فراوانی است که می‌تواند به شیعیان در این راه مدد برساند.

به‌همین دلیل ما بر آن شدیم تا در این مقاله، برخی از ویژگی‌های یاران امام حسین علیه‌السلام را از نگاه الگویی مورد بررسی قرار داده و بیان کنیم که منتظران حضرت چگونه می‌توانند، بهترین بهره را از این الگوها بگیرند.

• برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های الگویی یاران امام حسین علیه‌السلام برای منتظران

امروز و پس از گذشت هزار و چهارصد و اندی سال از واقعه عاشورا، برای ما روشن است که کربلا صحنه رویایی آشکار حق و باطل بوده است و در این واقعه، نهایت نور و روشنی در مقابل نهایت ظلمت و تاریکی ایستاده است؛ اما بررسی زمانه امام حسین علیه‌السلام نشان می‌دهد، در آن روزگار غبار فتنه و نیرنگ و نفاق، مانع از این شناخت روشن از میدان بوده است و تنها کسانی موفق شده‌اند، به‌درستی حق را از باطل تشخیص دهند و شجاعت همراهی با حق را در آن عرصه ترس و خطر داشته‌اند که خصوصیاتی را در خود پرورانده باشند؛ و این وضعیتی است که برای دوران ظهور نیز قابل تصور است.

ما در ادامه به معرفی برخی از این ویژگی‌ها و تأثیر الگوگیری از آن برای آمادگی منتظران خواهیم پرداخت.

• ایثار و فداکاری

ایثار به‌معنای «برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم داشتن و مانند آن است.»[8] و شامل گذشتن از جان، مال، مقام، شخصیت و مانند آن در را خدا می‌شود؛ اگرچه بیشتر در مقدم داشتن دیگران در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران به‌کار برده می‌شود.

کربلا، قصه مردان و زنانی است که برای دفاع از حق، همه هستی‌شان را فدا می‌کنند. انسان‌هایی متعالی که در نهایت پاکبازی، به قرب و وصل دوست می‌رسند؛ ایثاری کاملاً آگاهانه و با قدم‌هایی استوار.

امام حسین علیه‌السلام از همان آغاز حرکت، در جای جای مسیر، به‌روشنی از سرنوشتی که در انتظار این کاروان است، خبر می‌دهد؛ به‌همین دلیل در مقاطعی(مانند منزل زباله) تعداد زیادی از همراهان، مثل ریزش برگ‌های پاییزی، از اردوگاه امام جدا می‌شوند.[9] آن‌حضرت بارها اراده و استقامت یاران خویش را می‌آزماید؛ صحابه کربلا، بارها پالایش می‌شوند تا کسانی بمانند که اعتقاد راسخ دارند و آماده گذشتن از خود هستند.

بر اساس روایات چنین پالایشی برای ظهور هم اتفاق خواهد افتاد؛ از امام موسی کاظم علیه‌السلام در روایتی نقل شده است: هیهات، هیهات! فرج واقع نخواهد شد؛ مگر بعد از آنکه شما غربال شوید، بعد[دوباره]غربال شوید، بعد[بار سوم]غربال شوید–این جمله را سه مرتبه تکرار کردند–تا اینکه خداوند کدورت‌ها را از بین برده، صفا و پاکی باقی بماند.[10]

یکی از آزمون‌گاه‌های بزرگ یاران شب عاشوراست؛ زمانی که امام حتی بیعت را از یاران برمی‌دارد. می‌فرماید: من یاران و اصحابی وفادارتر، نیکوکارتر و خوب‌تر از یارانم نمی‌شناسم و خاندانی درست کارتر و صمیمی‌تر از خانواده‌ام سراغ ندارم. خدای بزرگ همه را از جانب من پاداش نیکو عنایت فرماید. آگاه باشید! من به همه شما اجازه رفتن می‌دهم. همگی آزادید و می‌توانید بروید. من بیعت خویش را از همگان برداشتم. هیچ تنگنایی نیست. شب و تاریکی را شتر راهوار خویش گیرید و جان از معرکه بیرون برید.

پاسخ‌ها و اعلام وفاداری یاران در این زمان شنیدنی است: حضرت عباس علیه‌السلام، فرزندان مسلم، زهیر، بریر و... .

مسلم‌بن عوسجه در بخشی از سخنانش می‌گوید: آگاه باش به خدا سوگند! اگر یقین بدانیم کشته می‌شویم، سپس زنده می‌شویم، آنگاه زنده زنده ما را بسوزانند و خاکسترمان را بر باد دهند و هفتاد بار این کار را تکرار کنند، از تو جدا نخواهیم شد تا در رکاب تو بمیریم. چگونه یاری‌تان نکنیم؛ درحالی‌که فقط یک بار کشته می‌شویم و پس از آن سعادت و کرامت بی‌پایان را به دست خواهیم آورد.[11]

و یا زمانی که به محمّدبن بشر حضرمی یاور حضرت اباعبدالله علیه‌السلام، خبر می‌دهند، فرزندش در سرزمین ری به اسارت گرفته شده است. امام از او می‌خواهد تا برای آزادی فرزندش برود؛ اما او می‌گوید: «درندگان بیابان زنده زنده‌ام بخورند، اگر از تو جدا شوم.»[12]

ادامه در صفحه بعد